

ارزش و اهمیت ادبی و فرهنگی تاریخ شاکرخانی

شاکر خان پسر لطف الله خان صادق متهور جنگ، تصنیف خود تاریخ شاکرخانی یا وقایع نساخرخانی را در سال ۱۱۸۲ هـ/ ۹-۱۶۶۸ م نگاشته است. این تاریخ از روزگار محمد شاه (۱۱۲۱-۱۱۶۱ هـ/ ۱۷۱۹-۱۷۴۸ م) تا نهمین سال شاهی شاه عالم دوم (۱۱۷۲-۱۲۲۱ هـ/ ۱۷۵۹-۱۸۰۶ م) است.^۱ این اثر پُرازش مربوط به زمینه تاریخ هنوز به زیور چاپ آراسته نگردیده است. نسخهای تاریخ شاکرخانی به قلم تاریخ نگار وضع اجتماعی و سیاسی هند تا سال ۱۱۷۲ هجری و نیز وضع دوران حکومت محمد شاه و جانشینان او و دوره اوایل شاه عالم ثبت نموده است. همچنین وی در تصنیف خود آیات قرآنی، احادیث نبوی و اصطلاحات علمی و تاریخی را جایه جا نقل کرده است. خوشبختانه چون تمام رویدادهای را با جزئیات آن مشاهده کرد و نوشت می توان گفت تاریخ وی بسیار مستند و قابل اعتماد می باشد.

^۱- تاریخ شاکرخانی (نسخه خطی)، برگ ۶۴، فهرست مشترک، جلد ۱۰، ص ۵۱۱، فهرست نسخه های خطی فارسی، عارف نوشاهی، ص ۷۱۰.

^۲ - An Oriental Biographical Dictionary, p.361.

^۳- فهرست مشترک، جلد ۱۰، ص ۵۱۱.

این کتاب تنها نقل وقایع تاریخ نیست بلکه بهترین مأخذ ادبی و فرهنگی است که نویسنده آن ادیبی توانا و هنرآفرین بود، لذا اکثر جای در کتاب نکته‌های ادبی، ویژگی‌های سبکی و دستوری به شرح زیر می‌باشد.

ویژگی‌های سبکی

جناس، مثلاً «بواطن و موطن» یا «اسلاف و اخلاف» که دارای جناس مضارع یا لاحق است. همچنین «کشش و کوشش» بین کشش و کوشش نوعی جناس زاید می‌باشد و نیز گفته است: «گلش با خار و ملش پرخمار» واضح است که بین گل و مل جناس مضارع و خار و خمار جناس زاید است. به کارگیری نثر مسجع، مثلاً «تولاً کند بدو تقویم و وقتی نمنا برد بدو تنجیم» که بین تقویم و تنجیم سجع متوازی است یا «زمزمه آرای تار ورود و هنگامه سرای رقص و سرود» که بین سرود و رود سجع مطرف است. باز می‌گوید: «آجین، آویخت، او رابه خاک تیره‌اش آمیخت» که بین آویخت و آمیخت سجع متوازی است.

در این خصوص بد نیست عبارت زیر که سراسر آن پر از سجع و کلام آهنگین است برای شاهد گفتار عیناً نقل شود. مثلاً «که شیفته صحبت نساء و فریفته جام و مینا بود بی‌طلب با فرج ظفر موج و شکوه انبوه که قعقع سلاح مردان کاری به اسقاب مسامع... از بسایط غیرا مانند گردباد پیچیده حشرات و هوام و دد و دام... از اطباق زمین با تمکین در درکه اسفل ثری خزیده روانه مرشدآباد شد... حاجی غدار اندیش حرارت غذا به گلاب مدارا و ملایمت و آب رفق ملاعبت برد و سرد ساخته...» همچنین جمله «عصر عصّار و دهر دوآر» دارای صنعت ادبی می‌باشد. بین

عصر و عَصَار، جناس شبه اشتقاق و زاید است همچنین عَصَار و دَوَار دارای صنعت ترصیع می‌باشد. نیز در جای دیگر می‌گوید: «شاه به قندهار سالم و غانم رفت» که بین سالم و غانم نیز نوعی ترصیع است.

تتابع اضافات هم که یکی از صنایع ادبی به شمار می‌آید، در این کتاب آمده است. به طور مثال «ظفر کوسِ اسلام بلند آواز» یا «لوای نصرت دین خیرالانام» که چند اضافه در پی هم آمده است. نیز عبارت «غالین و نمد ولایتی و شالین» دارای نثر مسجع و مرصع می‌باشد.

ضمن ثبت واقعات تاریخ زمان محمد شاه معروف به خلد منزل شاکرخان نقل بعضی فرمان، فرد، عرضی، شقه، نامه را هم داده است. از روی این نقلها نثر آینه انشاپردازی فارسی دوره قرن هجدهم میلادی می‌باشد. از نثر این مکتوبات هویدا می‌شود که شیوه نثر مکتوبات شاهی مملو از زبان مرصع و مسجع بود که از نقل فرمان او به خوبی دیده می‌شود:

«نقل فرمان عالیشان اعالی حضرت فردوس آرامگاه محمد شاه و علیه‌الرحمه والغفران به نام پیرو مرشد دو جهان حضرت ولی نعمت طاب‌نراه، وزارت و امارت پناه اقبال و اجلال دستگاه رکن السلطنت العالیته، مومنین الدوله، الخاقانیته، منظور نظر حضرت ظلّ سُبْحانی، سزاوار عنایات خلیفه‌الرحمانی، محرم‌الاسرار قدیم‌الخدمت، جان‌نثار بی‌ریو و رنگ، شمس‌الدوله لطف‌الله خان بهادر صادق نیکنام متهور جنگ، امیدوار، مورد مراحم پادشاهانه بوده.»

در زمینه تحولات زبانی در قرن هجدهم بروز زبان هندوستان هم امر مهمی است. از مطالب تاریخ شاکرخانی این امر آشکار می‌شود که جریان رشد زبان هندوستانی که در آتیه به نام زبان اردو معروف گردید. دوره مهم ساخت این زمان همین است. ما در تاریخ شاکرخانی کلمات مرکب فارسی هندوستانی مطلع می‌شویم که شاید در قرن هفدهم رواج نداشت مانند «جگت گویی»، ضمن فعل مرکب همچنین ترکیبات به وجود آمده مانند «دنگه زدن» به معنی چوب زدن نقره.

از این رو تاریخ شاکرخانی منبع‌ای است برای مطالعه زبان‌شناسی هند که آمیزش فارسی و زبانهای هند بوده است. اصطلاحاً این زمان از نظر زبان دوره تغییر بود و نتیجه آن را ما در قرن نوزدهم میلادی مشاهده می‌کنیم. کلمات غیرفارسی و عربی که در این کتاب مرقوم گردیده بدینقراراند:

اژه‌های هندی

آنه، اچکه، اشتان، بارش، باره، بانس، برستات، بلی، پراو، پهول کتاره، رره، جهروبه، چنکله، چوکی، چهاپه، چهاره، چهاونی، خویلیات، دنکه، هول، دیره، راجنسیان، سمدھی، ستاسیان، کتره، کچهری، گری، کوار، رره، ملنگ.

بزرگی‌های ادبی

تلمیحات: در این کتاب تلمیحات بسیار نیز یافته می‌شود که اشاره جنبه‌های تاریخی، ادبی، دینی، مثلها، حکایات عربی، آیات قرآنی و احادیث نبوی دارد. مثلاً «از بی شرمی عظیم ملأ بیداد کیش، ابن زیاد عهد

خویش...» که این عبارت ستم عظیم ملأ را با ستم ابن زیاد در دوران بنی امیه مقایسه کرده است و تلمیح به حادثه کربلا دارد.

ضرب الامثال: از دیگر ویژگی های این کتاب آوردن مثل های زیبا و قشنگ داده شده است، مانند: «فال بد، حال بد می آرد» و یا در شعری گفته است:

«فریب جهان قصه روشن است بین تا چه زاید شب آستن است»
 که مصرع دوم ضرب المثل است برای هر رویداد یا حادثه ای که ممکن است روی دهد و نیز گوید: «از نه گنجانیدن دریا است در کوزه» این مثلی معروف است که آب دریا در کوزه ای نگنجد. جای دیگر می نویسد «خریزه از خریزه رنگ می گیرد». جای دیگر آمده است که «هر چند روغن قاض به کار برد مقبول نیفتاد»، این مثل کنایه از فریب دادن است یعنی هر چه خواست دربان را فریب دهد نتوانست. همچنین «موشکدوانان اخلاصرو»، نوعی تشبیه تمثیلی می باشد، یعنی کسانی که ظاهراً مخلص و باطنی خراب دارند. «سبز قدامان بدانندیش» هم برای کسانی که ظاهراً کار خیری می کنند اما نیت بد دارند، نوعی تمثیل بجا و زیبا است. نیز «جو فروش گندم نما» مثل است برای انسان خوش ظاهر و بد باطن که از این گونه تمثیلات در این کتاب فراوان است. عبارت دیگری نیز نوشته است: «به مجرد شیوع این نسوح، شاه را نعل در آتش افتاد» نعل در آتش افتادن، مثل است برای خشمگین شدن و به سرعت عمل کردن. و نیز «احمق را ستایش خوش آید» یا این موضوع «حکم کبریت احمر دارد»

نمکخوارگی، «کشت» به جای گشت، و غیره. آوردن «اکثری» به جای اکثر در جا به جای این کتاب به چشم می خورد. مثلاً «اکثری در طلب سپاه تنخواه دادند» یا «اکثری کرته در سرکردی» به کارگیری واژه محض در معنی «فقط» در این کتاب از ویژگی های سبکی آن است و نیز ناموس یکجا کردن به معنی حفظ حرمت و کوشش برای نگاهداری چیزی یا در مفهوم اتحاد و یکپارچگی از ویژگی های سبکی این کتاب تاریخی می باشد. کلمه «مغلیه» به جای «مغولیه» نوشته شده است. واژه «کنانیده» در معنی کرده زیاد به کار رفته است، مثلاً «از حضور والا به خطاب سراج الدرله کنانیده» یا «در مهام مالی و ملکی دخیل کنانید».

از ویژگی های دیگر این کتاب، جمع بستن بیشتر کلمات با جات است، مانند: فرنه جات، رسالجات، دره جات. بعضی کلمات به عنوان جمع الجمع که ظاهراً ضد صرف و نحو فارسی است در متن تاریخ شاکرخانیه به چشم می خورد مثلاً «بدین رسم و آیین امورات سلطنت به میمنت استقرار یافت»، کلمه امورات جمع الجمع کلمه «امر» به کاربرده است. به کارگیری واژه های جعلی نیز در این کتاب وجود دارد، مثلاً «کشامره» به جای کشمیرها یا جمع بستن «حوض» به حیاض. همچنین کلمه «شماعیان» به معنی شمع افروزان واژه ای جعلی است که در عربی و فارسی نیامده است و آوردن جمع «انفار» در معنی نفرات برخلاف قاعده دستوری می باشد. «دهانیده» که ظاهراً به معنی فعلی و ازو در مفهوم دادن و عطا کردن می باشد و همچنین عبارت «درآمد برآمد» در معنی آمد و رفت در این کتاب به کار رفته است. «غارتیده» نیز فعلی جعلی است که در این

کتاب به معنی غارت کرده و همین طور «فوتید» به معنی فوت کرد آمده است.

آوردن «دوش» به صورت اسم مصدر دویدن، از ویژگی های دستوری این کتاب است. واژه «از آنجا» در همه موارد کتاب به صورت «ازنجا» بدون الف نوشته شده است. آوردن «هر» بر روی ضمیر مهم «همه» نیز از نظر اصول دستوری برخلاف قاعده می باشد، گرچه نمونه هایی از آن، در نثر فارسی قرن سیوم و چهارم و در متون تفسیری و غیره وجود دارد، مانند «هر همه رفتند».

در بسیاری جاها برخلاف املائی امروزی در این کتاب به کار رفته است. به طور مثال «خورمی» به جای خرمی به معنی شاد، شادبان و «خورسند» به جای خرسند، همین طور «آزقه» به جای آذوقه یا آزوغه به معنی غذایی که در سفر با خود بردارند یا خوار باری که در خانه نگاهدارند، آمده است و «آق ثقال» آمده است که املائی درست آن آق سقال یا آق صقال به معنی ریش سفید، بزرگتر و سرسته است، «وطیره» به جای وتیره آمده است به معنی طریقه، راه و روش است.

مختصات فوق الذکر زبان فارسی خاصه سبک هندی محسوب می گردد. بعد از حزین لاهیجی که به عنوان آخرین شاعر ایران به هند آمد و این جا سکونت دائمی اختیار کرد ادبا و فضلائی هندی بک شیوه جدید فارسی را رونق دادند که کمی از ایرانیان هند نشین جدا بود. از نظر ساخت زبان چندین شیوه جمع ساختن واحدهای فارسی را که در ایران مروج نبود رواج دادند. همچنین در ساخت جمله اضافه پسوندی که بعضی

آنها از زبان هندی گرفته و با کلمات فارسی آمیخته شده است. امثال اینها در این کتاب می‌شود دید.

منابع و مأخذ

۱. تاریخ شاکرخانی (نسخه خطی)، از شاکر خان، شماره نسخ ۱۹۰-۱۹۷۱، N.M.، کتابخانه موزه ملی پاکستان، کراچی، پاکستان.
۲. تاریخ شاکرخانی (نسخه خطی)، از شاکر خان، شماره نسخ ۶۵۸۵، کتابخانه موزه بریتانیا، لندن.
۳. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، احمد منزوی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۷ م، پاکستان.
۴. فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان کراچی، عارف نوشاهی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۴۰۴ هـ / ۱۹۸۳ م، پاکستان.

5. *An Oriental Biographical Dictionary*, Thomas William Beale, London, 1894, Kraus Reprint Corporation, New York, 1965.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز ملی جوامع علوم انسانی